



Pazhoheshhaye Mahdavi

Scientific Quarterly Journal

Fourteenth year, No 55, Fall 2025

Online ISSN: 2007-2717

Print ISSN: 7655-2423

How to Raise and Safeguard Children Against the Threats and Harms of the Pre-Age of Advent Era, with an Emphasis on the Contemporary Period

Dr. Pouyan Larizadeh ¹

Abstract

This article aims to explain strategies for the upbringing and safeguarding of children against the threats and harms of the pre-revelation era, with an emphasis on the complex conditions of the present age. The research method is descriptive-analytical, utilizing library resources including Islamic religious texts and works on educational sciences. Findings indicate that the period before the revelation is characterized by features such as the spread of moral corruption, the weakening of the family institution, cultural-media assaults, and distancing from authentic religious teachings, which pose profound challenges to the upbringing of the younger generation. In response to these challenges, six key educational strategies have been extracted: Providing lawful sustenance, Empathy and companionship, Self-cultivation of parents, Emulation of superior role models, creating a suitable educational environment, and facilitating timely marriage. The conclusion of the research emphasizes that success in raising protected children in this era requires the aware and active role of parents as the first educators, and the practical integration of these strategies within a family based on religious values.

Keywords: Religious Education, Apocalypse, The era before the advent, Safeguarding Children, Family

1. PhD in Persian Literature and Mystical Literature (Mystical Literature Orientation), Isfahan University, Isfahan, Iran(larizadehpouyan@gmail.com)

چگونگی تربیت و ایمن سازی فرزندان در مواجهه با تهدیدها و آسیب های دوران قبل از ظهور با تاکید بر دوران کنونی

پویان لاری زاده^۱

چکیده

این مقاله با هدف تبیین راهکارهای تربیت و ایمن سازی فرزندان در برابر تهدیدها و آسیب های دوران پیش از ظهور، با تأکید بر شرایط پیچیده ی عصر حاضر، انجام شده است. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای شامل متون دینی اسلامی و آثار علوم تربیتی است. یافته ها نشان می دهند که دوران قبل از ظهور با ویژگی هایی همچون گسترش فساد اخلاقی، تضعیف نهاد خانواده، تهاجم فرهنگی رسانه ای و دوری از معارف اصیل دینی عجین شده که تربیت نسل جوان را با چالش های عمیقی مواجه ساخته است. در پاسخ به این چالش ها، شش راهکار تربیتی کلیدی استخراج شده است: تأمین لقمه حلال، همزادپنداری، خودسازی والدین، همانندسازی با الگوهای برتر، ایجاد محیط تربیتی مناسب و تسهیل ازدواج به هنگام. نتیجه گیری تحقیق بر این نکته تأکید دارد که موفقیت در تربیت فرزندان مصون در این عصر، مستلزم نقش آفرینی آگاهانه و فعال والدین به عنوان نخستین مربیان، و تلفیق عملی این راهکارها در خانواده مبتنی بر ارزش های دینی است.

واژگان کلیدی

تربیت دینی، آخرالزمان، دوران قبل از ظهور، ایمن سازی فرزندان، خانواده.

مقدمه

نشانه های عمومی عصر قبل از ظهور بیانگر غرق شدن بیشتر انسان ها در انحراف و معصیت است. بعضی از دین داران نیز، دین را از مسیر اصلی خود خارج می کنند و تنها به ظواهر امر و تجلیات بسنده دارند. در این دوران، دین داری حتی در میان قشر به ظاهر مذهبی

۱. دکتری زبان و ادبیات فارسی، گرایش ادبیات عرفانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
(larizadehpouyan@gmail.com).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۴

رو به کاستی و افول رفته و این در تربیت دینی کودکان نیز اثر زیادی دارد که یکی از ریشه‌های اصلی آن پدر و مادر هستند. لذا چگونگی تربیت فرزندان و ایمن‌سازی ایشان در برابر آسیب‌ها، تهدیدها و هجمه‌های شیاطین جنی و انسی در انحراف آدمیان از مسیر اصلی دین، بسیار حائز اهمیت بوده و وظیفه والدین را در این دوران بسیار سنگین‌تر از هر دوران دیگری کرده است.

بخش اول) مفهوم‌شناسی

قبل از پرداختن به بحث اصلی لازم است تا پیرامون مفاهیم و متغیرهای این موضوع، تبیینی صورت گیرد:

تربیت

تربیت یعنی پرورش دادن چیزی از حالتی به حالت دیگر تا این که کامل و تمام شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ج: ۱، ص. ۳۳۶) و در اصطلاح تربیت به معنای فراهم آوردن زمینه برای پرورش استعدادهای درونی هر موجود و به ظهور و به فعلیت رسانیدن امکانات بالقوه درون او و آن‌گاه که با پسوند خانواده بیاید، بدین معناست که در این نهاد کوچک، افرادی به عنوان مربیان و کسانی در جایگاه تربیت‌شوندگان وجود دارند.

غلامحسین شکوهی اصطلاح تربیت را به تأثیر ارادی بزرگسال بر خردسال، به منظور سوق دادن او به سوی حالت بزرگسالی تعبیر می‌کند (شکوهی، غلامحسین، ۱۳۸۸: ص. ۲۳). علی‌اکبر شعاری نژاد در کتاب فلسفه جدید تربیت در معنای تربیت می‌نویسد:

تربیت عمل آمادگی فرد برای سازگاری مثبت با محیط است. یعنی تربیت وقتی انجام می‌گیرد که رفتار موجود فرد در نتیجه تجربه و یادگیری تغییر یابد که اگر این تغییر به نفع فرد و جامعه باشد، آن را تربیت سودمند یا تربیت مثبت گویند و در صورتی که فرد را از جامعه دور کند یا سازگاری مطلوب او را با محیط دشوار سازد، یعنی او از زندگی اجتماعی لذت نبرد و جامعه نیز از وجود او استفاده نکند، گوئیم تربیت وی تربیت منفی بوده است (شعاری نژاد، ۱۳۸۸: ص. ۲۳۲).

دکتر خسرو باقری می‌گوید:

آنچه را به اصطلاح تربیت اسلامی گفته می‌شود می‌توان چنین تعریف کرد: شناخت خدا به عنوان رب یگانه انسان و جهان و برگزیدن او به عنوان رب خویش و تن دادن به ربوبیت او و تن زدن از ربوبیت غیر (باقری، ۱۳۸۶: ص. ۴۴)

دکتر علی‌اکبر سیف معتقد است:

بنا به تعریف، پرورش (تربیت) به جریان یا فرایندی منظم و مستمر گفته می‌شود که هدف آن هدایت رشد جسمانی و روانی، یا به‌طور کلی هدایت رشد همه‌جانبه شخصیت پرورش‌یابندگان در جهت کسب و درک معارف بشری و هنجارهای موردپذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفاشدن استعدادهای آنان است (سیف، ۱۳۹۸: ص ۳۷).

آخِر الزمان (دوران قبل از ظهور)

به منظور فهم و کشف احوالات و شرایط قبل از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له، بررسی و تتبع در روایات ائمه معصومین علیهم السلام لازم و ضروری به شمار می‌رود. از آن جایی که بیشتر روایات مربوط به دوران قبل از ظهور با اصطلاح «آخِر الزمان» آمیختگی زیادی داشته و با هم عجین شده‌اند، لازم است ابتدا مفهوم «آخِر الزمان» را مورد بررسی قرار داد تا مقصود بعدی که همان فهم شرایط قبل از ظهور است، در پی آن حاصل شود.

در معارف ارزشمند اسلامی، اصطلاح «آخِر الزمان» در دو معنای کلی به کار رفته است:

۱. مدت زمانی طولانی که با ولادت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آغاز و با شروع رستاخیز بزرگ پایان می‌یابد. از این رو آن پیامبر الهی را پیامبر آخِر الزمان نیز نامیده‌اند. (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ص ۱۹۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۴۰، ص ۱۷۷ و ج ۲، ص ۸۷؛ قرطبی، ۱۴۰۵ق: ج ۴، ص ۳۰۶؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ص ۵۵۷)

۲. مدت زمانی که با ولادت واپسین جانشین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له مقارن شده و زمان غیبت و ظهور را در برگرفته، با شروع قیامت به انجام می‌رسد. کلیات عقاید مربوط به «آخِر الزمان» تقریباً از سوی همه فرقه‌های بزرگ اسلامی پذیرفته شده است؛ ولی در خصوص وابستگی این تحولات به ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه له و نیز هویت او اختلاف نظر وجود دارد. شیعیان دوازده امامی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له و حکومت جهانی او را حُسن ختام حیات بشر در کره زمین و او را همان موعود امت‌ها می‌دانند. در نظر آنان، با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له، برخی از ائمه و نیکان و صالحان و نیز بدان و تبه‌کاران تحت عنوان «رجعت» به دنیا باز می‌گردند و زندگی دنیایی پایان می‌یابد.

بخش دوم) تهدیدها و آسیب‌های دوران قبل از ظهور

امام جعفر صادق علیه السلام ضمن روایت مفصلی، از برخی اخلاقیات و عادات‌ها و مناسبات فردی و اجتماعی که دامن‌گیر شماری از مردمان آخر زمان خواهد شد، به اشاره و فهرست‌وار یاد

کرده‌اند. این انحرافات رفتاری آخرالزمانی که امام در کلامشان برشمرده‌اند، موارد متعددی را در بر می‌گیرد که هریک به نوعی تهدید یا آسیب در مسیر تربیت فرزندان در دوران کنونی نیز به شمار می‌رود. اگر بخواهیم نمونه‌وار این توصیف‌ها را برشماریم، می‌توان به چند موردی که در ادامه آمده است، اشاره کرد.

حضرت امام صادق علیه السلام در توصیف خوی‌ها و عادت‌هایی که در آخر زمان بین مردمان رائج می‌شود، فرموده‌اند که در آن روزگار:

[دستورهای] قرآن کهنه شود و چیزهایی که در آن نیست، در آن پدید شود و [آیات آن] طبق دلخواه توجیه شود؛ هر که را به کار بد بستایند، خندان و خشنود شود و اعتراضی نکند؛ همجنس‌بازی مردان و زنان رایج و مرسوم شود؛ خانه کعبه تعطیل شود و دستور به نرفتن به آن داده شود؛ پولدار، عزیزتر از مؤمن باشد؛ ربا، آشکار شود و بر آن سرزنش نشود؛ مرد باایمان غمناک، پست و خوار شود؛ شراب را آشکارا بنوشند و آنان که از خدای عزوجل نمی‌ترسند، برای نوشیدنش گرد هم آیند؛ با شراب مداوا کنند و برای بیمار نسخه کنند و بدان بهبودی جویند؛ بدعت و زنا آشکار شود؛ مؤمن نتواند کار بد را جز در دل خویش انکار کند؛ زمامداران به کافران نزدیک شوند و از خوبان دوری گزینند؛ شنیدن قرآن بر مردم سنگین و گران آید، درحالی که شنیدن چیزهای ناروا برای آنان آسان و مطلوب است؛ برای اذان گفتن و نماز پول گیرند؛ همسایه از ترس زبان همسایه‌اش او را گرامی دارد؛ فرمانروایان در داوری رشوه گیرند؛ بچه کوچک، مرد بزرگ را خوار شمارد؛ مسجدها، طلاکاری و نقاشی شود؛ مردم خونریزی را آسان شمارند و برایشان عادی شود؛ انسان برای غرض دنیایی، ریاست طلبد و خود را به بدزبانی مشهور سازد تا از او بترسند و کارها را به او واگذارند؛ با حیوانات، نکاح کنند؛ آن که روزی حلال جوید، سرزنش شود و جوینده حرام، ستایش شود؛ مرده را به مسخره گیرند و کسی برای مرگ او غمناک نشود؛ ناسپاسی پدر و مادر آشکار شود و پدر و مادر را سبک شمارند. حال آنان نزد فرزند، از همه بدتر باشد و فرزند خوشحال است که به آنها دروغ بدهد. فرزند آنان را نفرین کند و از مرگشان خشنود شود؛ تمام غم و اندوه مردم درباره شکم و شهوتشان باشد و باکی ندارند که چه بخورند و با چه نکاح کنند؛ هرکه مال یتیمان را بخورد، او را به شایستگی بستایند؛ وقت نماز را سبک شمارند؛ نشانه‌های آسمانی پدید آید، اما مردم از آن هراس نکنند؛ اهل قرآن و تفسیر خوار شوند و هرکه آنان را دوست دارد نیز خوار شود؛ زندگی مرد، از کم‌فروشی اداره شود؛ اگر شخصی سخن حق گوید و امر به معروف و نهی از منکر کند، دیگران او را نصیحت کنند و بگویندش که این کار بر تو لازم نیست؛ نمازخوان، برای ربا و خودنمایی نماز خواند؛ قماربازی، آشکار شود؛ صدقه را به وساطت دیگران به اهلش دهند و برای رضای خدا ندهند؛ بلکه از روی درخواست مردم و اصرار آن‌ها بپردازند؛ در حرمین (مکه و مدینه)

کارهایی که خدا دوست ندارد انجام گیرد؛ دل مردم سخت و چشمانشان خشک شود و یاد خدا بر آنان سنگین آید؛ حرام، حلال شود و حلال، حرام گردد؛ فقیهانی پیدا شوند که برای غیردین مسئله آموزند و طالب دنیا و ریاست باشند؛ مردم غیبت را سخن خوش مزه و نمکین شمارند و یکدیگر را بدان مزده دهند؛ شر و سخن چینی، آشکار شود؛ سوگندهای به ناحق، به نام خدا بسیار شود. (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۱، ص. ۵۴-۶۰)

در این روزگار عجیب و غریب، غالب مردم بیش از آن که توجه خود را به سرای ابدی و جهان آخرت معطوف بدانند، در دنیای فانی و ظواهر و زینت‌های آن غرق شده‌اند؛ آن قدر از خدا و دین او دوری می‌کنند تا حدی که رحمت خدا از آنان برداشته شده و مشمول عذاب الهی می‌شوند. رسول خدا ﷺ فرمودند:

سَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ تَخْبُثُ فِيهِ سَرَائِرُهُمْ وَتَحْسُنُ فِيهِ عَلَانِيَتُهُمْ طَمَعًا فِي الدُّنْيَا وَلَا يُرِيدُونَ بِهِ مَا عِنْدَ اللَّهِ رَبِّهِمْ يَكُونُ دِينُهُمْ رِيَاءً لَا يُخَالِطُهُمْ خَوْفُ يَعْْمَهُمُ اللَّهُ مِنْهُ بِعِقَابٍ فَيَدْعُونَهُ دُعَاءَ الْغَرِيقِ فَلَا يَسْتَجِيبُ لَهُمْ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۸، ص. ۳۰۶، ح ۴۷۶؛ صدوق، ۱۴۰۶ق: ص. ۲۵۳)؛

زمانی بر امت من می‌آید که در آن زمان، درون‌های مردم پلید می‌شود؛ ولی ظواهرشان به طمع مال دنیا آراسته می‌گردد، به آنچه در پیشگاه خداوند هست، دل نمی‌بندند. کارشان ریا و تظاهر است. خوف از خدا به دل‌شان راه نیابد و خداوند آنان را به عذابی فراگیر دچار سازد. آنها چون غریق، خداوند را می‌خوانند؛ ولی او دعای‌شان را مستجاب نمی‌کند.

آنچه که از روایات مربوط به دوران قبل از ظهور برمی‌آید، وضعیت دین‌داری مردم در این دوران، وضعیت مطلوبی نداشته و غالب مردم از دایره اصلی دینداری خارج شده‌اند. این که دلایل ضعف و سستی مردم در حفظ و عمل به دین در این دوران چیست، در جای دیگری به آن اشاره خواهد شد، اما آنچه که به طور قطعی می‌توان به آن اذعان نمود، خروج درصد زیادی از مردم، از عرصه دینداری است. پیامبر اسلام ﷺ در این خصوص می‌فرمایند:

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ... دِينُهُمْ دَرَاهِمُهُمْ وَهُمْهُمْ يُطَوُّهُمْ وَقَبْلَتُهُمْ نِسَاؤُهُمْ يَرْكَعُونَ لِلزَّغِيفِ وَيَسْجُدُونَ لِلدِّرْزَمِ حِيَارَى سُكَارَى لَا مُسْلِمِينَ وَلَا نَصَارَى (محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۱۱، ص. ۳۷۹، ح ۱۳۳۰۵)؛

زمانی بر مردم خواهد آمد که درهم‌های آنان دین‌شان خواهد بود و همت ایشان شکم‌شان و قبله آن‌ها زنان‌شان. برای طلا و نقره، رکوع و سجود به جای می‌آورند. آنان همواره در حیرت و مستی خواهند بود. نه بر مذهب مسلمانی‌اند و نه بر مسلک نصرانی.

رواج ظلم و فساد در دوران قبل از ظهور

این موضوع در بسیاری از روایات اسلامی تحت عنوان «کما ملئت ظلماً و جوراً؛ همان گونه که جهان از ظلم و جور پر شده باشد» آمده است. حضرت علی (ع) در ضمن حدیثی می‌فرماید:

یازدهمین فرزند من مهدی است که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد همان طور که پر از ظلم و جور شده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص. ۳۳۸)

حضرت عبدالعظیم فرمود:

خدمت حضرت جواد (ع) مشرف شدم و می‌خواستم از آن جناب سؤال کنم آیا قائم که مهدی موعود است اوست یا غیر او؟ پس آن بزرگوار ابتداء فرمود و گفت: ای ابوالقاسم، قائم ما آن مهدی است که انتظار غیبت او واجب است، و وقتی که ظاهر می‌شود مطاع است، و سوّم از فرزندان من است. به حق آن کسی که محمّد را به نبوت فرستاد و مخصوص کرد ما را به امامت! اگر باقی نماند از دنیا مگر یک روز، خداوند طولانی می‌کند این روز را تا آن که بیرون آید آن بزرگوار، و پُر کند زمین را از عدل و داد چنان که از جور و ستم پر شده باشد. و خداوند سبحان امر او را اصلاح می‌کند در همان شبی که فردای آن ظاهر می‌شود چنان که اصلاح فرمود امر حضرت موسی (ع) را در وقتی که رفت آتش از برای عیالش بیاورد، پس مراجعت کرد در حالتی که پیغمبر خدا بود بعد از آن فرمود: افضل اعمال شیعه ما انتظار فرج است. (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ص. ۳۷۷؛ خزاز قمی، ۱۴۰۱ق: ص. ۲۸۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۱، ص. ۱۵۶)

استفاده و به کارگیری از واژه «ظلم» و فراگیری آن در دوران قبل از ظهور، آن قدر زیاد است که تبیین دقیق تر ابعاد آن ضروری به نظر می‌رسد. از دیدگاه اسلام عدل بر سه قسم است: عدل عقیدتی، عدل فردی، عدل اجتماعی و ظلم نیز دارای همین اقسام است:

ظلم عقیدتی

ظلم عقیدتی عبارت است از رعایت نکردن جایگاه واقعی امور در عقیده و باور. کسی که معتقد به چیزی می‌شود که واقعیت ندارد، جایگاه و قانون واقعی آن چیز را در نظام هستی از نظر عقیدتی رعایت نکرده است. بر این اساس از دیدگاه اسلام توحید عدل است و شرک ظلم؛ توحید عدل عقیدتی است و شرک ظلم عقیدتی. موحد از نظر عقیده و باور، عادل است؛ چون جایگاه واقعی آفریدگار جهان را در نظام هستی رعایت کرده است، ولی مشرک ظالم است، زیرا جایگاه واقعی آفریدگار هستی را در عقیده رعایت نکرده است. قرآن

کریم از شرك به عنوان ظلمی عظیم و ستمی بزرگ یاد می کند و می فرماید:

﴿إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾ (لقمان: ۱۳)؛

شرك قطعاً ستمی بزرگ است.

ظلم فردی

ظلم فردی عبارت است از رعایت نکردن جایگاه واقعی امور در مورد حقوق خود. کسی که کاری می کند که برای جسم و یا جان او در حال حاضر و یا در آینده زیان آور است، به حق فطری و طبیعی خود تجاوز کرده، از قانون نظام هستی در مورد خویش تخلف ورزیده و به خود ستم روا داشته است. در متون اسلامی از نافرمانی خداوند به ظلم به نفس و ستم به خویش تعبیر شده است.

علت این که نافرمانی خداوند ظلم به نفس است، این است که انسان برای استیفای حقوق طبیعی خود راهی به جز اجرای فرمان های الهی ندارد که اوامر الهی در جهت تکامل انسان، و نواهی او در جهت جلوگیری از انحطاط اوست و کسی که خدا را نافرمانی می کند، یا جسم او زیان می بیند یا جان او و یا هر دو. نافرمانی خداوند موجب می شود که انسان جایگاه واقعی امور را در مورد حقوق خود رعایت نکند و بالاخره نافرمانی خداوند برای خدا ضرری ندارد، بلکه ضررش مستقیماً متوجه شخص نافرمان و عاصی می گردد. در این مورد امام صادق (ع) از ابوذر سخن جالبی را بدین مضمون نقل کرده است:

مردی به ابوذر نامه ای نوشت و از او خواست که هدیه ای از مسائل علمی برایش بنویسد، ابوذر در پاسخ نوشت: «إِنَّ الْعِلْمَ كَثِيرٌ، وَلَكِنْ إِنْ قَدَرْتَ أَنْ لَا تُسِيءَ إِلَى مَنْ تُحِبُّهُ فَأَفْعَلْ؛ علم بسیار است، ولی اگر می توانی به کسی که او را دوست می داری بدی نکنی، چنین کن.» پاسخ ابوذر بسیار دقیق و جالب بود، ولی سؤال کننده، معنای این سخن ظریف را نفهمید. این بود که از ابوذر پرسید: مگر کسی را دیده ای که نسبت به فرد مورد علاقه خود بدی کند که این توصیه را به عنوان يك هدیه علمی به من تعارف می کنی؟! ابوذر پاسخ داد: «نَفْسُكَ أَحَبُّ الْأَنْفُسِ إِلَيْكَ، فَإِذَا أَنْتَ عَصَيْتَ اللَّهَ فَقَدْ أَسَأْتَ إِلَيْهَا؛ خودت محبوب ترین افراد نزد خود هستی و وقتی تو خدا را نافرمانی کنی، قطعاً به خود بدی کرده ای.» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص. ۴۵۸، ح ۲۰)

از این رو، امام چهارم در دعا می فرماید:

أَيُّ رَبِّ، بِأَنْفُسِنَا إِسْتَحَقَّقْنَا عِنْدَ مَعْصِيَتِكَ لَا بِعِظَمَتِكَ... وَحَقَّنَا أَصْغَنَا لَا كَبِيرَ حَقِّكَ (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۹۴، ص. ۱۲۵، ح ۴)؛

خدایا ما به خودمان اهانت کرده ایم هنگام نافرمانی از تو، نه به عظمت تو... و حق خود را ضایع کرده ایم، نه حق بزرگ تو را.

ظلم اجتماعی

ظلم اجتماعی عبارت است از رعایت نکردن جایگاه واقعی حقوق مردم و تخلف از قوانینی که موجب تأمین نیازهای واقعی جامعه است. کسی که حق را که مربوط به دیگری است غصب می کند، جایگاه واقعی آن حق را رعایت نکرده، از قانون نظام جامعه تخلف کرده و بدین جهت مرتکب ظلم اجتماعی شده است.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا﴾ (نساء: ۱۰)؛
آنان که اموال یتیمان را به ظلم می خورند، همانا آتش در شکم های خویش می کنند.

ناترازی در ارتباط مردم با دین

احوال بیان شده در مورد مردمی که در دوران قبل از ظهور زندگی می کنند، بیانگر آن است که اختلالات و ناترازی های زیادی در آن زمان نسبت به رابطه مردم با دین شان ایجاد شده است. این ناترازی، انواع مختلفی را در برمی گیرد. ناترازی هایی از جنس اعتقادات، باورها، رفتارها و... در حوزه های مختلفی همچون اخلاقیات، عبادات و باورهای قلبی که همگی بخشی از وجود یک مسلمان مؤمن را تشکیل می دهند. اگر تمام آنچه را که در روایت مفصلی از امام صادق (ع) ذکر شد مرور نمائیم، هریک به نوعی حاکی از ناترازی و فاصله گرفتن عموم مردم از بطن حقیقی دین است.

سؤالی که به طور جدی در این جا مطرح می شود آن است که دلیل این همه ناترازی و فاصله گرفتن از حقیقت دین و فلسفه خلقت که همان عبودیت است، چیست و چرا جامعه مسلمانان در شرایطی قرار می گیرد که حفظ دین در آن این قدر سخت بوده و مؤمنین در اقلیت قرار بگیرند؟

چالش های فرزندان در دوران کنونی

وضعیت دینداری در آخرالزمان سخت و شکننده و میزان رویگردانی اغلب مردم از دستورات الهی، زیاده تر است. این مسئله دلایل مختلفی می تواند داشته باشد، از جمله:
تحریف در آموزه های متعالی و راستین دین در این عصر فزونی می گیرد و ادیان و مکاتب مختلفی شکل می گیرد؛ این ادیان ساختگی، رنگ و بویی از حقیقت ندارند و تهی از معنویت و باورهای راستین حق گرایانه هستند.

در روایات نیز اشاره شده که سرگردانی در عقاید دینی، نتیجه جریانبات باطلی است که با جهالت و کنار گذاشتن تفکر در میان امت ظاهر می شود (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ص. ۲۲۸).

غول های ارتباط جمعی و رسانه ای، به شدت با اسلام درگیر می شوند و با انواع تخریب ها و تحریف ها و سیاه نمایی ها، سعی بر آن دارند که چهره خشن و سیاهی از اسلام و دین نشان دهند و در این کار، چنان ماهرانه و شیطنت آمیز واقعیت ها را تحریف و تخریب می کنند که حتی برخی از مسلمانان نیز دچار تردید می شوند و گاه از دین خود شرمند می شوند و از طرفی دیگر، ظواهر دنیا را چنان فریبنده و زیبا جلوه می دهند و انواع فساد و فحشا را در جامعه پخش می کنند، به گونه ای که مردم در کنترل کردن امیال و غرایز خود باید مجاهدت و تلاش فراوان کنند. بازار فسادهای مالی و اخلاقی، چنان گرم می شود که برخی، همه چیز را به فراموشی می سپرند و حتی انسانیت را زیر پا قرار می دهند روشن است که با فساد علنی دنیای امروز، حفظ دین و معنویت، بسیار مشکل است.

تأثیرات مخرب سایت های مستهجن بر روی فرزندان (کودکان و نوجوانان): دستیابی به تصاویر و فیلم های غیراخلاقی یا همان هرزه نگاری در سنین پائین، یعنی کودکی و نوجوانی، امروزه، آن هم با توجه به فناوری های جدید مانند اینترنت، از مباحث بسیار جدی و نگران کننده است که خانواده ها و سایر اقشار فرهنگی و فرهیخته جوامع، به خصوص متخصصان علوم رفتاری و روان شناسان را به چالش کشیده و نگران ساخته است.

گزارش مرکز تحقیقات فورستر در سال ۱۹۹۸، حجم درآمد سالیانه صنعت پورنوگرافی را از طریق اینترنت بین ۷۵۰ میلیون دلار تا ۱ میلیارد دلار تخمین می زند و نکته بسیار مهم در این میان روش ها و راه هایی است که گروه ها و جریان های صهیونیستی برای رسیدن به این اهداف انتخاب می کنند. به طور کلی اصلاً برای این جریان ها اخلاقی بودن و یا انسانی بودن یا نبودن این راه ها و شیوه ها مهم نیست، بلکه تنها چیز مهم همان اهداف همیشگی صهیونیست است. (پورخاتون و نیک طبع، ۱۳۹۰: ص. ۷)

۱۲۵

تشخیص وظیفه: وظیفه یک مسلمان معتقد، آن است که تکالیف دینی خود را به خوبی بشناسد و به آنها عمل کند. هنگام حضور ظاهری امام در جامعه در میان مردم، امر تشخیص وظیفه، راحت تر است؛ چراکه فرد به خدمت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف خود می رسد و کسب تکلیف می کند، ولی در زمان غیبت، این امر به صورت کامل، بر عهده خود شیعیان است. طبیعی است

که وظیفه، دوچندان می‌شود و کار مشکل‌تر می‌گردد؛ چراکه تشخیص وظیفه، مسئله بسیار مهمی است که امکان خطا و اشتباه در آن وجود دارد. البته امامان، شیعیان را به حال خود رها نکرده‌اند، بلکه از آنان خواسته‌اند که به عالمان و کارشناسان دین و اسلام‌شناسان فقیه مراجعه کنند و برای تشخیص وظیفه، از آنان مدد جویند. در توقیعی که از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف صادر شده است، آمده است:

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، باب ۴۵، ح ۴)؛

و اما حوادثی که واقع می‌شود، پس در آنها به راویان حدیث ما (علما و فقهای اسلام‌شناس) رجوع کنید که آنان، حجت من بر شما هستند و من، حجت خدا بر آنان هستم.

مردم از محتوای اسلام و قرآن و حقیقت آن دور می‌شوند. این دور شدن به چند شکل اتفاق می‌افتد. توجه بیش از حد به ظاهر و غفلت از محتوا و پیام؛ یعنی، مردم به جای این که دنبال فهم معانی قرآن باشند، بیشتر به خواندن آن و لحن و صوت ارزش بدهند. (ر. ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ص. ۱۹۰)

همچنین به قدری معانی مختلف و برداشت‌های غیرمعقول از قرآن عرضه می‌شود و به قدری اختلاف قرائت‌ها و تکرگراییی رواج و مقبولیت یابد که معنای اصلی قرآن و منظور الهی از نزول آن در بین مردم گم شود و کسی نداند که منظور خداوند از نزول فلان آیه یا سوره یا کل قرآن و اسلام چیست. در این صورت نیز از قرآن و اسلام، جز اسم چیزی نخواهد ماند، زیرا هر کس حرفی خواهد زد و آن را حرف اسلام و قرآن قلمداد خواهد کرد.

تلاش صهیونیست برای فروپاشی خانواده: یکی از اهداف پلید جامعه صهیونیستی، فروپاشی بنیان خانواده است. در این راه برنامه‌ریزی کردند و هم‌چنان در حال تلاش هستند. خانواده اساس جامعه است و جامعه تابع تحولاتی است که در فرد و خانواده رخ می‌دهد. بنابراین اگر در خانواده‌ای، پدر و مادر مؤمن باشند، خانواده طیب و عقیفی شکل می‌گیرد.

اساس تفکر حاکم بر جریان صهیونیستی جهان، فروپاشی خانواده است. این فروپاشی و تلاش صهیونیست معطوف به ایران نبوده و جهانی است. مرکز تحقیقات پیو (Pew)، یک اندیشکده آمریکایی مستقر در واشنگتن، اخیراً نتایج یک نظرسنجی را درباره ساختار «خانواده مدرن آمریکایی» به اشتراک گذاشت. در این گزارش آمده بود:

خانواده آمریکایی در دهه های اخیر دستخوش تغییرات چشمگیری شده است. دیگر یک شکل خانواده غالب وجود ندارد و آمریکایی ها زندگی خانوادگی را به شیوه های گوناگونی تجربه می کنند. کارشناسان معتقدند افول مسیحیت با فروپاشی ازدواج و خانواده مرتبط است.

طبق گزارش «پیو»، در مقایسه با سال ۱۹۷۰، خانواده آمریکایی متشکل از مادر، پدر و فرزندی که با هم زندگی می کنند از ۶۷ درصد به ۳۷ درصد کاهش یافته است. براساس گزارش ها، بخش عمده ای از این کاهش به دلیل عادی شدن زندگی مشترک بزرگسالان مجرد است. مطالعه دیگری که Communio، یک سازمان غیرانتفاعی مذهبی مستقر در واشنگتن که به کلیساها مشاوره می دهد انجام داد، نتایج مشابهی به همراه داشت و استدلال می کرد: زوال دین با فروپاشی ازدواج و پدربودن مرتبط است و فروپاشی ازدواج در نتیجه انقلاب جنسی، انفجار در میزان طلاق و تک فرزندی ساختار خانواده ها را تغییر داد و با انجام این کار، نیمکت های کلیسا را خالی کرد. (خبرگزاری برنا، ۱۴۰۲، از فروپاشی خانواده تا افول دین)

«جی پی دیگانس»، رئیس سازمان Communio، گفت:

این یک واقعیت واضح است که رشد کنونی بی دینی بین اواسط دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰، حدود ۲۵ تا ۳۰ سال پس از شروع انقلاب جنسی (آزادی جنسی دهه های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ در غرب که از آن به انقلاب جنسی یاد می شود) آغاز شد. در سال ۱۹۶۰ رشد انفجاری در تولدهای خارج از ازدواج و طلاق را تجربه کردیم که منجر به کاهش تعداد فرزندی بود که با پدر در خانه بزرگ می شدند. این چیزی است که باعث افزایش عدم وابستگی مذهبی شده است. فروپاشی ازدواج علت اصلی بود، که همچنین کاهش حضور در کلیسا و رشد انفجاری تنهایی در کشور ما را نیز توضیح می دهد.

مطالعه Communio براساس یافته های ۱۹ هزار نظرسنجی از ۱۱۲ گروه های مختلفی در ۱۳ ایالت انجام شد. (خبرگزاری برنا، ۱۴۰۲: از فروپاشی خانواده تا افول دین)

مسئله زوال دین در غرب در آثار متفکران این دیار انعکاس قوی دارد. «چگونه غرب خدا را واقعاً از دست داد؟» نام اثری از مری ایبرشتات، نویسنده مشهور و منتقد فرهنگی، است که به فارسی هم ترجمه شده. او در این اثر بزرگ، نظریه قدرتمندی درباره زوال دین در جهان غرب ارائه می دهد. عقیده عمومی بر این است که غرب ابتدا انحطاط مذهبی را تجربه کرد و به دنبال آن خانواده زوال یافت. ایبرشتات این تعبیر را متحول کرد. او با جمع آوری مجموعه ای

شگفت‌انگیز از تحقیقات، شامل داده‌های تاریخی حیرت‌آور در مورد افول خانواده در فرانسه قبل از انقلاب تا فرهنگ مردمی معاصر در آمریکا و اروپا، نشان داد که برعکس این ایده نیز صادق است: سست شدن پایه‌های خانواده، خود باعث افول مسیحیت شده است.

از مهم‌ترین ناهنجاری‌های خانوادگی در آخرالزمان ایجاد گسست شدید عاطفی بین اعضای خانواده و از هم گسیختگی خانواده‌هاست. از منظر احادیث اسلامی، در آخرالزمان بنیاد خانواده‌ها به شدت سست و آسیب‌پذیر خواهد شد و فسادها، فتنه‌ها و آفت‌های فراگیر این دوران، در متن تمام خانه‌های شرق و غرب عالم نفوذ خواهد یافت و نه تنها فرزندان که پدران و مادران را نیز فرا خواهد گرفت.

از طرف دیگر هر چند حفظ دین و عمل به وظیفه، در دنیای پرتلاطم و سراسر ظلم و فساد، کاری دشوار است؛ ولی پاداش انسان‌های متدین و دین‌مدار نیز افزون است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ به اصحاب‌شان فرمود:

به زودی گروهی بعد از شما می‌آیند که یک نفر از آنان اجر پنجاه نفر از شما (صحابه) را دارد. اصحاب گفتند: یا رسول الله! ما با تو در بدر و احد و حنین شرکت داشتیم و قرآن در میان ما نازل شد. پیامبر فرمود: اگر بر شما وارد می‌شد آن چه آنان تحمل می‌کنند، مانند صبر آنان صبر نمی‌کردید. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ص. ۱۳۰، ح ۲۶)

مؤمنان آخرالزمان، به فرموده امیرمؤمنان (علیه السلام):

در کارها و فداکاری‌های نیک و بزرگ مسلمانان صدر اسلام شریک‌اند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ص. ۱۳۱، ح ۳۲)

و اینان کسانی‌اند که پیامبر، آنان را برادر خود خوانده و آرزوی دیدار آنان را کرده است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ص. ۱۳۳، ح ۳۶)

و افرادی هستند که خداوند، آنان را اولیای خود خوانده است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ص. ۱۴۳، ح ۵۹)

بنابراین در این دوران عده‌ای از مردم، به اوج تقوا و دین‌داری رسیده و به آن پایبند هستند. اینان یاران و دوستان حضرت مهدی (عجله الله تعالی فرجه الشریف) هستند و تلاش می‌کنند تا زمینه ظهور و قیام آن حضرت را فراهم سازند و جامعه را آماده کنند.

بخش سوم) تربیت و ایمن‌سازی فرزندان

با مطالعه اجمالی روایات مربوط به ایام و دوران قبل از ظهور، ریشه و عامل اصلی که در

ضمن تمامی روایات این موضوع به چشم می‌خورد، «ضعف ایمان و تقوا» است. اگر روایت امام صادق (ع) را که در بخش قبل بدان اشاره شده بود، را با این نگاه که ضعف ایمان چه نقشی در هریک از موارد دارد مطالعه کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که ریشه تمامی موارد مذکور در آن روایت و سایر روایات، همین ضعف ایمان و تقواست.

البته آن چه که در برخی روایات، پیرامون سختی و دشواری حفظ ایمان در دوران قبل از ظهور ذکر شده نیز مؤید همین برداشت‌ها و ریشه‌یابی ماست. در روایتی از انس بن مالک از پیامبر اکرم (ص) آمده است:

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ الصَّابِرُ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ كَالْقَابِضِ عَلَى الْجُمْرِ (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۸، ص ۴۷۰)؛

زمانی بر مردم خواهد آمد که صبر نمودن در برابر مسائل دین - و عمل به دستورات آن - همانند در دست گرفتن آتش گداخته است.

در روایت دیگر ایشان در وصف برادران آخر الزمانی خود می‌فرمایند:

لَأَحَدُهُمْ أَشَدُّ بَقِيَّةً عَلَى دِينِهِ مِنْ خَرُطِ الْقَتَادِ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلُمَاءِ أَوْ كَالْقَابِضِ عَلَى جَمْرِ الْغَصَا (صفار، ۱۴۰۴ق: ص ۱۰۴)؛

هر يك از آنان بر دین خود باقی است با این که باقی ماندن بر دین سخت‌تر از زدن تیغ درخت با دست و صاف کردن آن و از نگه داشتن آتش درخت‌های سخت (که آتش‌شان دوام زیاد دارد)، در دست است.

امام صادق (ع) پس از آن حدیث مفصل، راه در امان ماندن از آفت‌های آن روزگار پربلا را نیز بیان فرموده‌اند. ایشان در پایان این روایت، خطاب به آن فردِ دوستدارشان و در واقع خطاب به تک‌تک مردمانی که پیرو راستی و حق هستند، فرموده‌اند که در چنان شرایط و روزگاری، «خود را واپایی [= مراقبت کن] و از خدای عزوجل نجات بخواه و بدان که [در چنین وضعی] مردم مورد خشم خدای عزوجل قرار گرفته‌اند و خداوند به خاطر کاری است که آنها را مهلت داده. مراقب باش و کوشش کن تا خدای عزوجل تو را برخلاف آنچه مردم در آنند، مشاهده کند تا اگر عذاب بر آنها نازل شود و تو در میان آنها باشی، به سوی رحمت حق شتافته باشی و اگر جدا شوی، آنان گرفتار شوند و تو از روش آنان و بی‌باکی آنها نسبت به خدای عزوجل بیرون باشی و بدان که به راستی خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نکند و همانا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است». (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۱، ص ۶۰)

در این دوران کم توجهی والدین نسبت به تربیت دینی فرزندان تا اندازه‌ای است که آن‌ها مانع از آشنایی فرزندان خود با معارف دینی می‌شوند. همان‌طور که پیغمبر اسلام ﷺ در این باره فرموده است:

يَكُونُ هَلَاكُ الرَّجُلِ عَلَى يَدَيِ ابْنِهِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ ابْنٌ فَعَلَى يَدَيِ زَوْجَتِهِ وَوَلَدِهِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ زَوْجَةٌ وَوَلَدٌ فَعَلَى يَدَيِ قَرَابَتِهِ وَجِيرَانِهِ (منذری، ۱۴۱۷ق: ج ۳، ص. ۴۴۴، ح ۸۶۹۷؛ قرطبی، ۱۴۰۵ق: ج ۱۰، ص. ۳۶۱)؛

هلاکت انسان به دست پدر و مادرش تحقق می‌یابد، اگر پدر و مادر نداشته باشد به دست همسر و فرزندان و اگر همسر و فرزندی نداشته باشد، به دست خویشان و همسایگان.

همچنین در روایت دیگری نقل شده است که آن حضرت به تعدادی از کودکان نظر انداخته و فرمود:

وَيْلٌ لِّلْأَطْفَالِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ آبَائِهِمُ الْمُشْرِكِينَ فَقَالَ لَا مِنْ آبَائِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ لَا يَعْلَمُونَهُمْ شَيْئاً مِنَ الْفَرَائِضِ وَإِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادَهُمْ مَنَعُوهُمْ وَرَضُوا عَنْهُمْ بَعْضُ يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا فَأَنَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَهُمْ مِنِّي بَرَاءٌ (نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۱۵، ص. ۱۶۴، ح ۱۷۸۷)؛

وای بر فرزندان آخرالزمان از روش پدران‌شان! عرض شد: یا رسول الله! از پدران مشرک آنها؟ فرمود: نه، از پدران مسلمان‌شان که چیزی از فرائض دینی را به آنها یاد نمی‌دهند و اگر فرزندان خود از پی فراگیری بروند منع‌شان می‌کنند. و تنها از این خشنودند که آنها درآمد مالی داشته باشند هرچند ناچیز باشد. سپس فرمود: من از این پدران بیزارم و آنان نیز از من بیزارند.

مسلماً زمانی که والدین می‌خواهند نقش مربی را ایفا کنند و فرزندان خود را به عنوان یک منتظر حقیقی به گونه‌ای تربیت کنند که از آفات، آسیب‌ها و تهدیدات دوران قبل از ظهور تا حد زیادی در امان قرار بگیرند، ابتدا لازم است شخص پدر و مادر، خودشان نیز در مسیر تربیتی صحیح قرار گرفته و طی مسیر کرده باشند. پس ابتدا پدران و مادران محترم بر این امر مهم توجه داشته باشند؛ چراکه فرزندان ما جلوه عملی رفتار، گفتار و کردار ما را الگو قرار می‌دهند؛ از این رو مربی در فرهنگ اسلامی، یک رکن اصلی در شیوه تربیت اسلامی است که ویژگی‌هایی برای او ذکر شده است و پدر و مادر در خانواده، مهم‌ترین مربیان فرزندان هستند.

سؤال اساسی در این موضوع این است که با توجه به تمامی شرایط قبل از ظهور امام

زمان عَلَيْهِ السَّلَام که دنیا را ظلم و فساد فراگرفته و بدان اشاره شد، نقش والدین در زمینه تربیت و ایمن سازی فرزندان در مواجهه با تهدیدها و آسیب های این دوران، اعم از حقیقی یا مجازی، چیست؟

لقمه حلال

والدینی که تربیت صحیح فرزندشان را جویا هستند، در کسب لقمه حلال و پاک، همتی دارند که آن را با هیچ چیز معاوضه نمی کنند. چراکه می دانند لقمه ناپاک و حرام بر نسل ایشان اثر خواهد داشت. اما گاهی روزگار به شیوه ای رقم می خورد که افراد به جای کسب لقمه حلال، به فکر رفاه و آسایش ظاهری خودشان هستند. در این مورد امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرموده است:

هم و غم مردم در آخرالزمان همه همت مردم به سیر کردن شکم و رسیدگی به شهوت شان خلاصه می شود، دیگر اهمیت نمی دهند که آنچه می خورند حلال است یا حرام؟ و این که آیا راه اطفای غرایزشان مشروع است یا نامشروع؟! (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۸، ص ۴۲۰)

همچنین فرموده است:

برای مردم زمانی پیش می آید که آحدی یافت نمی شود جز این که به ربا آلوده گردد، اگر مستقیماً هم ربا نخورد، گرد ربا به او می رسد. (نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۱۳، ص ۳۳۳)

بنابراین خانواده مهدوی باید تلاش کند تا از هر گونه رزق حرام و حتی شبهه ناک دوری کنند تا در عین حفظ اساس خانوادگی خود، فرزندان و نسل خود را از آسیب ها و انحراف ها حفظ کنند.

همزاد پنداری

شیوه تربیتی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در تربیت حسنین عَلَيْهِمَا السَّلَام باید همواره مدنظر مربیان باشد، پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با توجه به وظیفه پیامبری که بر عهده داشتند با نوه های خود بسیار کودکانه رفتار می کردند، امروزه شبیه سازی مربی به کودک و شیوه های همزادپنداری، یکی از اصول متری تربیت است. طبق روایات اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام «الْوَلَدُ سَيِّدُ سَبْعِ سِنِينَ» (متقی هندی، ۱۳۸۹ق: ح ۴۵۳۳۸؛ حر عاملی، ۱۳۷۲: ج ۲۱، ص ۴۷۶)، این سخن بدان معناست که ما باید تا هفت سالگی نوکران و خدمت گزاران فرزندان مان باشیم، همچنین به ما فرموده اند که فرزندان خود را تا هفت سال

رها کنید تا بازی کنند، این سخن نیز بدین معناست که والدین نباید فرزندان را به خاطر اموری مثل کثیف کردن لباس های شان سرزنش کنند، زیرا آنان به فطرت خود بازگشته اند.

پدر و مادر در مسیر تربیت فرزندان خود، بایستی به گونه ای تعاملات خود را با فرزندشان شکل دهند که هیچ گاه حس عدم درک توسط والدین به فرزندان منتقل نشود. اگر فرزندی میان خود و پدر یا مادر خویش، فاصله ای از جنبه ای فهم و درک حس کند، همین فاصله ممکن است تبعاتی جبران ناپذیر برای آن فرزند به همراه بیاورد. در حالی که این عدم درک، می تواند با اندکی همزادپنداری و فهم بهتر شرایط فرزند، به وقع نیبوند و مسیر تربیتی فرزند را دچار اختلال نکند.

امروزه بسیاری از کودکان و نوجوانان، تمایل به بازی های رایانه ای یا تلفن همراه دارند که برخی به صورت آنلاین و برخی آفلاین عمل می کند. حال در چنین شرایطی اگر پدر و مادر، با بهانه و توجیهی همچون «دوری از اتلاف وقت» بچه های خود را از هرگونه بازی منع نمایند، همین باعث ایجاد فاصله میان فرزند و والدین خواهد شد. شاید به مدت کوتاهی سخن والدین اطاعت شود، اما از آن جایی که این اطاعت، بدون پشتوانه فکری و دلی صورت گرفته و انگیزه درونی نسبت به آن فعال نیست، پس از مدتی کوتاه، بازی یا روشی جایگزین خواهد یافت تا به دور از چشمان پدر و مادر خود، مجدداً به بازی های مورد علاقه خویش بپردازد.

خودسازی

در نگاه نخست، ممکن است در تبیین نقش های تربیتی والدین نسبت به فرزندان، «خودسازی» تا حدی غیرمرتبط به نظر برسد اما اگر دقیق تر به سراغ آیات، روایات و عقل برویم، به اولویت و اهمیت این موضوع پی خواهیم برد.

خداوند متعال در آیه ۶ سوره تحریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» براساس این دستور، مقدم بر تربیت و هدایت خانواده که فرزندان را نیز شامل می شود، خودسازی فردی است. هرچه این خودسازی به شکل بهتر و مؤثرتری صورت پذیرد، تأثیر آن در تربیت و ایمن سازی فرندان در مواجهه با آسیب ها شگرف تر و کارآمدتر خواهد بود.

فرزند وقتی چشم باز می کند اول پدر و مادر را می بیند از طرفی غریزه تقلید باعث می شود فرزند شیفته پدر و مادر خود باشد. بنابراین والدین باید به فکر خودسازی و اصلاح و ارتقای شخصیت خود باشند، چون فرزندان براساس آنچه که ما هستیم تربیت می شوند نه براساس

آنچه که ما می خواهیم. اگر پدر و مادر گفتارشان با اعمال شان منطبق نباشد و این عیب را اصلاح نکنند، هیچ وقت نمی توانند تأثیرگذار و الگوی خوبی برای فرزندان باشند. همچنین از امام علی (ع) این چنین نقل شده است:

عَلِّمُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ الْخَيْرَ وَادَّبُوهُمْ (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۰ق: ج ۲، ص ۵۳۵، ح ۳۸۲۶)؛

به خود و خانواده خود نیکی بیاموزید و آنان را تربیت کنید.

همان طور که مشاهده می کنید محور بحث در این جا خود فرد است، بعد دیگران. پس در بحث تربیت، والدین بایستی در گام نخست، گفتار و کردار خود را اصلاح کنند و بعد به سراغ فرزندان بروند. البته که تقدم و تأخر ترتیبی مدنظر نیست و در این بخش اولویت بندی ملاک می باشد. بدین معنا که اولویت خودسازی والدین بالاتر از اولویت سازندگی فرزندان است؛ چرا که در همان خودسازی والدین، به نوعی سازندگی فرزندان نیز صورت می پذیرد. همانندسازی تربیت به روش الگوسازی روشی کارآمد است که در آن مربی می کوشد نمونه رفتار و کردار مطلوب را عملاً در معرض دید مرتبی قرار دهد و بدین گونه موقعیت اجتماعی او را دگرگون کند تا او به پیروی بپردازد و حالت نیکویی، مطابق با آن عمل نمونه در خویش پدید آورد. در این حال فرد سعی می کند با شخص یا اشخاصی که به نظرش شخصیتی قابل قبول دارند، همانندسازی کند و نگرش ها و ویژگی های رفتاری و اخلاقی آن فرد یا اشخاص را برای خود سرمشق قرار دهد. تربیت به معنای دقیق آن، آموزش انتخاب بهترین روش ها در موقعیت و شرایط خاص می باشد. الگوگیری گزینه ای است که شخص به کمک آن انتخابی بهتر را به آسانی انجام می دهد. و از این رو این که ما الگوی مناسب شخص را در دسترس او قرار دهیم کمک خوبی به انتخاب شایسته اوست.

ساختمان وجودی انسان به گونه ای است که تأثیر رفتار بر او بسیار بیشتر از گفتار است. مردم از راه چشم، بیش از گوش، امور را فرا می گیرند و تعلیم عملی سودمندتر از تعلیم زبانی است. امام صادق (ع) به این امر توجه می دهند، آن جا که می فرمایند:

كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ، وَلَا تَكُونُوا دُعَاةَ بِأَلْسِنَتِكُمْ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۷۸)؛

همیری، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ص ۷۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵، ص ۱۹۸)؛

مردم را با رفتار خویش به حق دعوت کنید نه با زبان خویش.

در کودکی رفتار و عملکرد پدر و مادر نقش به سزایی در چگونگی رفتار و حرکات فرزند دارد و پدر و مادر باید خود مواظب رفتار خویش و نقش بالای آن در الگوپذیری فرزند باشند. در این خصوص چند نکته قابل ذکر است:

۱. در ساماندهی این مسئولیت، خودسازی قبل از دگرسازی مورد توجه است، امیرمؤمنان (علیه السلام) در این باره می فرمایند:

مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ (نهج البلاغه، حکمت ۷۳)؛

آن که خود را پیشوای مردم سازد، پیش از تعلیم دیگری باید به ادب کردن خویش بپردازد.

۲. در خانواده اختلاف و دوگانگی همچون سمی مهلک و خطرناک است، چرا که در خانواده هایی که اختلاف و دوگانگی به وجود می آید کودکان در انتخاب راه صحیح و درست دچار اشتباه شده و نخواهند فهمید که روش پدر درست است یا روش مادر.

۳. باید رفتار و گفتار پدر و مادر، با هم مطابق باشد. کودکان گرچه در سنین گفتار منطقی و درست را درک می کنند اما همچون بزرگ ترها غالباً تمایل به پذیرش گفتار درست از کسی که رفتارش مخالف آن است نشان نمی دهند. به عبارت دیگر آنان علاوه بر صداقت در گفتار خواهان صداقت در رفتار نیز هستند. قانون عمل به گفتار در تربیت برای نتیجه بخش بودن آن قانونی است که نمی توان به هیچ وجهی از آن شانه خالی کرد. امام علی (علیه السلام) می فرمایند:

ای مردم! به خدا من شما را به طاعتی بر نمی انگیزم، جز آن که خود پیش از شما به گزاردن آن برمی خیزم و شما را از معصیتی باز نمی دارم، جز آن که پیش از شما آن را فرو می گذارم. (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵)

۴. به مرور که سن کودک بالا می رود پدر و مادر می توانند الگوهای مناسب دیگر را به کودک بشناسانند و به این وسیله به او در انتخاب رفتارهای زندگی اش کمک کنند. و طبیعی است که هرچه این الگوها مناسب تر باشند فرد در رسیدن به کمال موفق تر است. در این کار، اولویت با شناختن و شناساندن بهترین الگوهای نظام هستی، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام)، به فرزندان خواهد بود که نباید از آن غفلت ورزید. چنان چه قرآن که برترین کتاب تربیت است در مورد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱)؛

همانا رسول خدا برای شما سرمشق نیکویی است. (ر.ک: حسین اسحاقی، ۱۳۹۰؛ جعفر شیخ الاسلامی، ۱۳۹۶)

محیط تربیتی مناسب

محیط خانواده در رشد ابعاد گوناگون کودک نقشی اساسی دارد، چون کودک نخستین بار در محیط خانه با دنیای بیرون آشنا می شود و از اطرافیان خود مسائل را یاد می گیرد. پدر و مادر اولین مربیانی هستند که با کودک ارتباط برقرار می کنند. از این رو می بایست زمینه مناسب را برای فراگیری معارف دینی فرزند فراهم سازند. والدین منبع همه مفاهیم، افکار، مهارت ها و گرایش های کودک هستند، به گونه ای که رشد و تکامل و فهم و ادراک کودک در سال های اول زندگی از این طریق شکل می گیرد. (شعاری نژاد، ۱۳۹۴: ص. ۳۵۸-۳۶۶)

والدین غیر از تأمین مایحتاج زندگی و رفع نیازهای جسمانی فرزند، موظفند محیط سالمی نیز از نظر تربیتی برای او پدید آورند. زیرا کودک تمام رفتارهای کوچک و بزرگ پدر و مادر را درست تلقی کرده از آن ها تقلید می کند. به این ترتیب، لازم است که والدین محیطی مساعد، برای تربیت و پرورش هرچه بهتر فرزند فراهم نمایند. (امینی، ۱۳۹۵: ص. ۱۰۱)

علاوه بر محیط خانه و فضای خانواده، که اولین بستر برای فرزند به حساب می آید، انتخاب گروه همسالان مناسب و قابل اعتماد، از ضروریات به شمار می رود. فرزندان در دوران نوجوانی نیاز به حضور در یک گروه همسالان دارند و بیش از آن که از پدر یا مادر خود تأثیر بپذیرند، در این دوران از دوستان و مربیان خود تأثیر خواهند پذیرفت.

مواجهه با آسیب ها و آفت های دوران قبل از ظهور، با حضور در گروه همسالان مفید و مؤثر، نتیجه بهتری را برای نوجوان رقم خواهد زد و درصدد صیانت بیشتری برای او محقق خواهد شد.

ازدواج به هنگام و مناسب

یکی دیگر از وظایف پدر و مادر، در خصوص ایمن سازی و تربیت مؤثر فرزندان، فراهم ساختن زمینه ازدواج ایشان است. نیاز جسمی و روانی انسان به ازدواج پس از بلوغ روشن است و زمینه این کار را باید پدر و مادر فراهم سازند. ازدواج آثار تربیتی فراوانی دارد و جوانان به وسیله آن از بسیاری از انحرافات و مفاسد فردی و اجتماعی محفوظ می مانند. خدای متعال خلقت زن و ازدواج را از نشانه های قدرت و عظمت خود معرفی کرده است، آن جا که می فرماید:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَكَرُونَ﴾ (روم: ۲۴)؛

و از آیات و نشانه های خدا این است که از خود شما برای شما جفت هایی آفرید تا بدان ها بیارامید و در میان شما دوستی و مودت و مهر برقرار ساخت. در این نکته نشانه هایی است برای آن گروهی که می اندیشند.

آیات و روایات در این زمینه بسیار است و از مجموع آن ها به دست می آید که ازدواج از مسائل اساسی زندگی بشر است و پدر و مادر باید در این زمینه اقدام نمایند.

نتیجه گیری

با توجه به تمام مباحث مطرح شده در این مقاله، می توان نتیجه گیری کرد که تربیت و ایمن سازی فرزندان در مواجهه با تهدیدات دوران قبل از ظهور، نیازمند توجه و تدبیری ویژه از سوی والدین است. در دنیای امروز که از طرفی آسیب های اجتماعی به سرعت در حال افزایش است و از طرفی دیگر حفظ ایمان بسیار سخت و طاقت فرسا است، والدین باید به عنوان اولین مربی و الگو، خود را از هر گونه انحراف و آسیب مصون نگه دارند و سعی کنند با ایجاد محیطی سالم و آموزنده، به تربیت دینی و اخلاقی فرزندان خود بپردازند. همچنین لازم است والدین علاوه بر تأمین نیازهای مادی، به نیازهای روحی و معنوی فرزندان خود نیز توجه ویژه داشته باشند. به کارگیری روش های تربیتی مدون و تأکید بر اصول اخلاقی و دینی همچون رعایت لقمه حلال، همزاد پنداری، و ایجاد فضای مناسب در خانواده، می تواند به ارتقاء سلامت روحی و اجتماعی فرزندان کمک شایانی نماید. در نهایت، با توجه به چالش های موجود، والدین باید به طور مستمر در پی یادگیری و ارتقاء مهارت های تربیتی خود باشند تا بتوانند فرزندان خود را در برابر آسیب های اجتماعی حفاظت کنند و به سوی یک زندگی معنوی و متعالی رهنمون سازند.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- _ ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۵ق). *کمال الدین و تمام النعمة*. تهران: انتشارات اسلامیة.
- _ ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۰۶ق). *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*. قم: دارالشریف الرضی للنشر.
- _ ابن حنبل، احمد. (۱۴۱۶ق). *مسند أحمد*. قاهره: دارالحديث.
- _ اسحاقی، حسین. (۱۳۹۰). *سلوک علوی / راهبردهای امام علی علیه السلام در تربیت فرزندان*. تهران: انتشارات پیام آزادی.
- _ امینی، ابراهیم. (۱۳۹۵). *آئین تربیت*. تهران: نشر صدرا.
- _ باقری، خسرو. (۱۳۸۶). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*. تهران: انتشارات مدرسه.
- _ بغدادی، احمد. (۱۴۲۲ق). *تاریخ بغداد*. بیروت: دارالغرب الإسلامي.
- _ پورخاتون، اعظم؛ نیک طبع، سمانه. (۱۳۹۰). *آسیب شناسی روانی - اجتماعی پورنوگرافی در اینترنت*. همایش هجوم خاموش.
- _ ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۳۹۵ق). *سنن الترمذی*. مصر: شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي.
- _ حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. (۱۴۲۰ق). *المستدرک علی الصحیحین*. بیروت: المكتبة العصرية.
- _ حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۳۷۲). *وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*. تهران: انتشارات اسلامیة.
- _ حمیری، عبد الله بن جعفر. (۱۴۱۳ق). *قرب الإسناد*. قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام.
- _ خزاز قمی، علی بن محمد. (۱۴۰۱ق). *کفایة الأثر*. قم: انتشارات بیدار.
- _ راغب اصفهانی، محمد بن حسین. (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*. بیروت: دارالقلم.
- _ سیف، علی اکبر. (۱۳۹۸). *روان شناسی پرورشی نوین*. تهران: انتشارات آگاه.
- _ شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۸۸). *فلسفه جدید تربیت*. تهران: انتشارات آگاه.
- _ شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۹۴). *روان شناسی رشد*. تهران: انتشارات رشد.

- شکوهی، غلامحسین. (۱۳۸۸). *مبانی و اصول آموزش و پرورش*. تهران: انتشارات آگاه.
- شیخ الاسلامی، جعفر. (۱۳۹۶). ۲۲۲۲ نکته در تربیت. تهران: انتشارات پیام اسلام.
- صفار، محمد بن الحسن. (۱۴۰۴ق). *بصائر الدرجات*. قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- طبری، محمد بن جریر بن یزید. (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)*. بیروت: دارالمعرفة.
- قرطبی، محمد بن احمد. (۱۴۰۵ق). *تفسیر القرطبی*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۲). *الترغیبه من الکافی*. تهران: انتشارات اسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: انتشارات اسلامیه.
- گزارش مرکز تحقیقات فورستر، Forrester Research (1998).
- متقی هندی، علی. (۱۳۸۹ق). *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*. بی جا: مکتبه التراث الاسلامی.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسة الوفاء.
- مرکز تحقیقات پیو. (بی تا)، گزارش مرکز تحقیقات پیو.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۰). *حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه*. قم: انتشارات نسل جوان.
- منذری، عبدالعظیم بن عبدالقوی. (۱۴۱۷ق). *الترغیب والترهیب*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل*. قم: مؤسسة آل البيت.
- Communio (بی تا). گزارش مؤسسه Communio.
- Newsweek (بی تا). مجله «نیوزویک».